



۱) بازنگاهی به معنای حدیث «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا...»

محمد حسین میریان^۱

یکی از احادیث مشهور در میان مردم، روایت یادشده در عنوان یادداشت است. کتاب من لا یحضره الفقیه این حدیث را بدین شکل آورده است:

رُویَ عَنِ الْعَالِمِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ قَالَ: إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.^۲

همین متن در تنبیه الخواطر، از پیامبر ﷺ نقل شده است.^۳

درباره معنای این حدیث دو دیدگاه وجود دارد:^۴

یکم. کارهای دنیا باید به گونه‌ای انجام شود که گویا عمری ابدی به انسان عطا شده است. هیچ‌گونه کم‌کاری و سستی در کارهای دنیا پذیرفته نیست. اگر انسان می‌خواهد خانه‌ای بسازد باید به گونه‌ای باشد که بتوان تا ابد در آن زیست؛ پس بهترین مصالح را به کار برد و بیشترین استواری را ایجاد کند. همچنین اگر کسی می‌خواهد تجارت کند، طوری برنامه‌ریزی نماید که عمر ابدیش را کفاف دهد. نسبت به آخرت هم در کارهایش اخلاص داشته باشد و باور کند که از عمر او چیزی باقی نمانده؛ گویا قرار است مانند فردایی بمیرد. بنابراین رفتار آخرتی خود را از حیث اندازه و گونه، متناسب با مرگی که در پیش دارد، انجام دهد.

۱. پژوهشگر مؤسسه وحی و عترة، قم.

۲. ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۶۹.

۳. ج ۲، ص ۲۳۴.

۴. ن. کد من لا یحضره الفقیه (پاورقی)، ج ۳، ص ۱۵۶؛ روضة المتقین، ج ۶، ص ۴۰۳؛ الوافی، ج ۱۷، ص ۴۲؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۴۸؛ الطراز الاول، ج ۳، ص ۳۷۱.

دوم. انسان در دنیا طوری رفتار کند که گویا عمری ابدی به او ارزانی شده و فرصت بسیاری برای کارهای دنیا دارد؛ بنابراین امروز دنیايش را تأمین کند و برای فردای آن عجله نکند. اما نسبت به رفتار آخرتی مانند کسی باشد که فرصتی اندک دارد و فردا می‌میرد. چنین کسی باید در زمان کم، کارش را با بهترین شکل به نتیجه برساند.

برخی، ظهور این حدیث و روایات دیگری^۵ را دال بر معنای نخست می‌دانند؛ ولی به قرینه مقابله موجود در روایت، این ظهور، مستقر نمی‌شود. همچنین اگر مراد از «العالم» امام مجتبی علیه السلام باشد،^۶ با دقت در زمینه صدور حدیث، این معنا تضعیف می‌شود. کفایة الاثر، حدیث را با زمینه آن، چنین آورده است:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ وَهْبَانَ الْبَصْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي دَاوُودُ بْنُ الْهَيْثَمِ بْنِ إِسْحَاقَ النَّحْوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ الْبُهْلُولِ بْنِ حَسَّانَ قَالَ حَدَّثَنِي طَلْحَةُ بْنُ زَيْدِ بْنِ الرَّقِيِّ عَنْ الزُّبَيْرِ بْنِ عَطَاءٍ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ هَانِي الْعَيْسِيِّ عَنْ جُنَادَةَ بْنِ أَبِي أُمَيَّةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي مَرَضِهِ الَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ ... فَقُلْتُ: عِظْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. قَالَ: نَعَمْ؛ اسْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ أَجَلِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ تَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الْمَوْتَ يَطْلُبُكَ وَ لَا تَحْمَلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَكْسِبُ مِنَ الْمَالِ شَيْئًا فَوْقَ قُوَّتِكَ إِلَّا كُنْتَ فِيهِ حَازِنًا لِغَيْرِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ فِي حَلَالِهَا حِسَابًا وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابًا وَ فِي الشُّبُهَاتِ عِتَابًا. فَانزِلِ الدُّنْيَا بِمِثْرَةِ الْمَيْتَةِ خُذْ مِنْهَا مَا يَكْفِيكَ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ حَلَالًا كُنْتَ قَدْ زَهَدْتَ فِيهَا وَإِنْ كَانَ حَرَامًا لَمْ تَكُنْ قَدْ أَخَذْتَ مِنَ الْمَيْتَةِ وَإِنْ كَانَ الْعِتَابَ فَإِنَّ الْعِقَابَ يَسِيرٌ وَ اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.^۷

۵. مانند: رسول الله صلی الله علیه و آله: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ عَمَلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ» (تفسیر القرطبی، ج ۱۳، ص ۲۴۴)

۶. کاربرد «العالم» برای رسول الله صلی الله علیه و آله مرسوم نبود، بنابراین روایت تنبیه الخواطر، صدور مستقلاً دارد. می‌توان با قرینه حدیث «کفایة الاثر» و نیز توجه به وضعیت تقیه در دوران امام مجتبی علیه السلام، مراد از «العالم» را امام حسن علیه السلام شمرد. مرحوم محمد تقی مجلسی ذیل این حدیث می‌گوید: «کِنَايَةُ عَنِ الْمَعْصُومِ فَإِنَّهُ الْعَالِمُ وَ مَنْ سِوَاهُ جُفَالٌ» (روضه المتقين، ج ۶، ص ۴۰۳) ص ۲۳۶.

سیاق این متن، معنای دوم را تأیید می‌کند. همچنین روایات فراوانی برای تأیید این معنا وجود دارد که تعداد آن فزون‌تر و دلالت آن قوی‌تر است.^۸ افزون بر آن که معنای دوم با سیره معصومان علیهم‌السلام سازگارتر است.

معنای دوم، تعامل انسان با دنیا و آخرت را تعامل با دو عملی می‌داند که یکی (عمل دنیایی) زمانش غیر فوری و دیگری (عمل آخرتی) فوری است؛ یا یکی موسّع و دیگری، مضیق است. بر اساس قواعد فقهی و اصولی متّخذ از فطرت و سنت، واجب فوری بر غیر فوری، مقدّم است. به همین دلیل لازم است انسان همواره در اعمال خویش، آخرت را بر دنیا مقدّم بدارد.

البته جمع دو معنای یادشده نیز ممکن است.^۹ بر پایه معارف دینی، دنیا از جهتی ممدوح و از سویی مذموم است. دنیای مذموم همان است که امیر مؤمنان علیه‌السلام آن را از آب بینی بز^{۱۰} و کفش وصله‌دار^{۱۱} کمتر می‌شمروند. این، دنیای استقلالی بدون لحاظ آخرت است. مرداری را می‌ماند که استفاده از آن صرفاً به مقدار ضرورت، معقول است.^{۱۲} در برابر، دنیای ممدوح، همان است که مقدّمه و مزرعه آخرت است؛ دنیایی که می‌توان در آن حقّی را اقامه کرد. این نگاه به دنیا، نگاهی تبعی و مقدّمی بوده و ساخت دنیا و تلاش در آن برای ساخت آخرت است.^{۱۳}

کتابنامه

۱. الامالی، محمد بن محمد بن نعمان مفید، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۱۴ق.
۲. تفسیر القرطبی، محمد بن احمد قرطبی، تحقیق احمد عبد العظیم بردونی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۵ق.

۸. مانند: رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «صَلِّ صَلَاةَ مَوْدَعٍ» (الکافی، ج ۸، ص ۲۰۳، ح ۶۸۹۹)؛ و الامام علی علیه‌السلام: «إِذَا عُرِضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الْآخِرَةِ فَأَبْدِءْ بِهِ وَإِذَا عُرِضَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَتَأَنَّهُ حَتَّى تُصِيبَ رُشْدَكَ فِيهِ» (الامالی للمفید: ص ۲۲۰)

۹. کذ روضة المتّقین، ج ۶، ص ۴۰۳.

۱۰. کذ نهج البلاغة، خطبة ۳.

۱۱. ن. کذ همان، خطبة ۳۳.

۱۲. همان‌گونه که در وصیت یادشده از امام مجتبی علیه‌السلام آمده است.

۱۳. بر همین اساس مرحوم شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۷۶، باب ۲۸ و مرحوم نوری در مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۷، باب ۲۴ و نویسنده جامع احادیث الشیعة، ج ۲۲، ص ۱۲۴، باب ۵، این روایت را در «بابُ عَدَمِ جَوَازِ تَرْكِ الثَّنِيَا الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا لِالْآخِرَةِ وَ بِالْعَكْسِ» آورده‌اند.

۳. تنبيه الخواطر، وزّام بن ابی فراس، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۳۶۸ش.
۴. جامع احادیث الشیعه، سیّد حسین طباطبایی بروجردی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ق.
۵. روضة المتّقین، محمّد تقی مجلسی، تحقیق سیّد حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهااردی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
۶. الطّراز الأوّل، سیّد علی خان مدنی شیرازی، تحقیق مؤسّسه آل البيت، مشهد، مؤسّسه آل البيت، اوّل، ۱۳۸۴ش.
۷. الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تحقیق دار الحدیث، قم، دار الحدیث، اوّل، ۱۴۲۹ق.
۸. کتاب من لا یحضره الفقیه، محمّد بن علی ابن بابویه صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرّسین، دوم.
۹. کفایة الاثر، علی بن محمّد خزاز قمی، تحقیق سیّد عبد اللطیف حسینی کوه کمری، قم، نشر بیدار، ۱۴۰۱ق.
۱۰. مجمع البحرين، فخر الدّین طریحی، تحقیق سیّد احمد حسینی، تهران، نشر مرتضوی، دوم، ۱۳۶۲ش.
۱۱. مستدرک الوسائل، حسین نوری طبرسی، تحقیق مؤسّسه آل البيت، بیروت، مؤسّسه آل البيت، اوّل، ۱۴۰۸ق.
۱۲. نهج البلاغه، سیّد رضی، تحقیق صبحی صالح، بیروت، اوّل، ۱۳۸۷ق.
۱۳. الوافی، محمّد محسن فیض کاشانی، تحقیق ضیاء الدّین حسینی، اصفهان، مکتبه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، اوّل، ۱۴۰۶ق.
۱۴. وسائل الشیعه، محمّد بن حسن حرّ عاملی، تحقیق مؤسّسه آل البيت، قم، مؤسّسه آل البيت، دوم، ۱۴۱۴ق.